

نویسنده: راثول ریسکاوچ (۱)

مترجم: کامران سپهری *

اقتصاد پنهان و نگاهی به سهم آن در یک اقتصاد توسعه یافته

آنچه می دانیم، آنچه نمی دانیم و آنچه که برای یافتن آن انجام می دهیم

۱ - مقدمه:

مقاله پیتر گاتمن (۲) که در سال ۱۹۷۷ در مورد ابعاد اقتصاد زیرزمینی (۳) ایالات متحده آمریکا منتشر گردید باعث انجام تحقیقات سریع دیگری در مورد پدیده ای شد که امروزه به اقتصاد پنهان معروف شده است. تخمین وی از این اقتصاد برای سال ۱۹۷۶ معادل ۱۷۶ میلیارد دلار یا چیزی حدود ۱۰ درصد تولید ناخالص ملی بود. این نتایج باعث برانگیخته شدن دوسوال شد: آیا تولید ناخالص ملی و دیگر معیارهای آماری، از دقت کافی برخوردارند و آیا درآمدهای مشمول مالیات که از پرداخت مالیات فرار کرده اند قابل توجهند؟ از آن تاریخ، محققان در ایالات متحده مرتباً مفاهیم متفاوتی را ارائه و روشهای متعددی را طراحی و تخمین های

* - کارشناس دفتر سنجشهای آماری - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

گوناگونی از اقتصاد پنهان که دامنه ای بین ۱ تا ۳۰ درصد تولید ناخالص ملی داشت ارائه نموده اند.

آثار اقتصاد پنهان بر آمارهای اقتصادی و همچنین درآمدهای مالیاتی ایالات متحده آمریکا توسط سازمانهای مختلف برآورد شده و خلاصه آنها در این مقاله ذکر گردیده است. همانگونه که خواهیم دید، اکثر این مطالعات و تخمین ها، ریشه کلان دارد یعنی در رابطه با سرجمعها و ابعاد کلی فعالیتهای اقتصاد پنهان است.

باور دفتر آمار آمریکا که مسئول محاسبات مربوط به توزیع درآمد است، بر این است که در حال حاضر، تحقیقات خرد نیز مناسب است. حتی اگر فرض کنیم اقتصاد پنهان فقط یک درصد تولید ناخالص ملی باشد، مقدار آن در سال ۱۹۸۷ معادل $45/3$ میلیارد دلار خواهد بود که سهم هر خانوار تقریباً ۵۰۰ دلار می شود. چگونگی توزیع درآمد پنهان میان خانوارهای آمریکایی می تواند بر نابرابری توزیع درآمدها موثر باشد. در هر جامعه ای که هدف، کاهش نابرابری اقتصادی است، شناخت اثر توزیع مجدد درآمدهای پنهان، نقش اساسی دارد.

این مقاله با بررسی یافته های ما در مورد اقتصاد پنهان ایالات متحده شروع می شود. توجه قسمت بعدی مقاله به شکافهای موجود نسبت به آگاهی ما در سطح خرد و کلان معطوف است. قسمت آخر مقاله اشاره به بررسی اخیر دفتر آمار ایالات متحده دارد که جنبه خرد اقتصاد پنهان و اثر آن بر توزیع درآمد خانوار را مورد مطالعه قرار داده است.

۲ - آنچه که می دانیم:

پس از کار پیشگام گاتمن، کتب، گزارشات و مقالات متعددی در مورد اقتصاد پنهان تهیه شده است. در قسمتهای بعدی، تحقیقات مهم در زمینه مفاهیم، روش بررسی و پدیده های

عملی فعالیتهای اقتصاد پنهان را مورد بررسی قرار می دهیم .

۱-۲- مفاهیم: اقتصاد پنهان در ایالات متحده و همچنین سایر کشورها دارای

نام های مختلفی است و این خود نشان دهند نامشخص بودن آن از نظر مفهوم است . واژه های بکاربرده شده واژه هایی نظیر " غیرمنظم " (۴) ، " غیربازاری " (۵) ، " نامرئی " (۶) ، " گزارش نشده " (۷) و " غیرقانونی " (۸) یا " بازار سیاه " (۹) است . این واژه ها نشان دهنده نحوه تفاوت فعالیتهای اقتصاد پنهان و اشکال متداول این نوع فعالیتهای می باشد .

قبل از بررسی مفاهیم ، باید علل مشارکت مردم در اقتصاد پنهان را مطالعه نمائیم . اتفاق نظری که در این زمینه وجود دارد این است که این نوع اقتصاد زائیده انگیزه فرار از مالیات و مقررات داد و ستدهای اقتصادی است . بعبارت دیگر نرخ های مالیاتی که بنظر مردم عادلانه نمی آید و این تصور که فرار از مالیات ، کشف نخواهد شد ، انگیزه اصلی شرکت در اقتصاد پنهان است . مقررات ، نظیر مقررات شغلی و لزوم اخذ جواز کسب ، باعث تشویق کارهای پنهانی می شود و در کنار آن ، فعالیتهای غیرقانونی نظیر قاچاق مواد مخدر نیز طبیعتاً بصورت پنهانی صورت می گیرد . کارسون (۱۰) در سال ۱۹۸۴ چند دلیل دیگر را مورد بحث قرار داد . وی گفت برخی از مردم برای استفاده از برخی مزایای دولتی ، در مورد اشتغال و یا وضع درآمدی خود دروغ می گویند تا با این دروغ ، مشمول استفاده از این مزایا گردند . بعلاوه ، افرادی که برخی از سیاستهای دولت را قبول ندارند (مثلاً سیاستهای مصرفی آنها) ، ممکن است تصمیم بگیرند قوانین مالیاتی را رعایت نکنند .

دشواری تعریف اقتصاد پنهان ناشی از طبیعت متفاوت فعالیتهای اقتصادی مربوطه می باشد . دامنه این فعالیتهای کارکردن به منظور اخذ انعام و پاداش و یا حقوق گزارش نشده به

مقامات مالیاتی شروع شده تا قمار و قاچاق مواد مخدر که غیرقانونی است، گسترده است. این مساله وقتی اهمیت پیدا می کند که محقق بخواهد بفهمد دقت محاسبه تولید ناخالص ملی چقدر است و یا چه میزان از درآمدها از دادن مالیات فرار می نماید. در ایالات متحده دفتر محاسبات اقتصادی و سازمان مسئول مالیاتها از مفاهیم درآمدی و منابع آماری متفاوتی استفاده می کنند. البته بسیاری از اقلام درآمدی مورد استفاده آنها یکی است. ولی برخی از اقلام درآمد را تعریف یکی از آن دو دربر نمی گیرد. بطور مثال، بواسطه مشکلات محاسباتی، دفتر محاسبات اقتصادی درآمد حاصل از فعالیتهای غیرقانونی را در نظر نمی گیرد، ولی سازمان مسئول مالیاتها این درآمدها را هم منظور می نماید زیرا فعالیت های غیرقانونی هم باید مالیات پردازند. از سوی دیگر، درآمدهایی که به حد قانونی بخشودگی مالیات نمی رسد توسط سازمان مسئول مالیاتها به حساب نمی آید، در حالی که توسط دفتر محاسبات اقتصادی به حساب می آید. بواسطه اینگونه اشکالات است که کناجیان (۱۱) می گوید: "اقتصاد پنهان بجای مفهومی عملی، یک مفهوم برای سخنرانی است" پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در این مقاله ما فرض می کنیم می توان یک مفهوم کلی و عمومی برای اقتصاد پنهان در نظر گرفت. مفهوم مورد استفاده ما همان است که در سال ۱۹۸۵ توسط اسلیتر (۱۲) بکاررفته است. این مفهوم طبق جدول ذیل از ماتریسی تشکیل شده است که یک سوی آن منبع درآمد (قانونی یا غیرقانونی) و سوی دیگر گزارش شده یا نشده به مقامات مالیاتی یا دیگر مقامات دولتی است. البته مفاهیم پیچیده تری هم در سال ۱۹۸۹ توسط فیگ (۱۳) بیان شده است.

گزارش نشده	گزارش شده	
پنهان (۱۵)	اشکار (۱۴)	قانونی
پنهان	پنهان	غیرقانونی

روشن است که درآمدهای غیرقانونی بواسطه وارد آوردن خطر اتهام، گزارش نمی شود و در بررسیهای مختلف و اظهارنامه های مالیاتی این درآمدها در پوشش درآمدهای مشروع گزارش می گردد. پس، درآمد از منابع قانونی و غیرقانونی که گزارش نشده اند، باقی می ماند، بدیگر سخن اقتصاد پنهان از دو بخش تشکیل می شود.

همانطور که در بالا اشاره شد، محققین هم سعی در بررسی بخشهای مختلف اقتصاد زیرزمینی و هم بررسی آن در مجموع نموده اند. بطور مثال، تانزی (۱۶) روی منابع درآمد قانونی گزارش نشده به مقامات مالیاتی تکیه می کند و بعکس، گاتمن و فیگ سعی در اندازه گیری درآمدهای گزارش نشده بطورکلی نموده اند.

۲-۲- روشهای بررسی: مشکل فرموله نمودن مفهوم فعالیتهای اقتصادی پنهان

باعث شده که روشهای تحقیق متفاوتی بوجود آید. فری و پومرهن (۱۷) خلاصه ای از این روشها را تهیه نموده اند که آنها را طبقه بندی می کند. آنها می گویند آثار اقتصاد پنهان را در چهار نوع آمار می توان پی گیری نمود. درآمد و هزینه، مالیات، بازار کار و آمارهای پولی. روشهای بررسی نیز براساس این آمارها شکل گرفته است.

روش درآمد - هزینه هم در سطح خرد و هم در سطح کلان اجرا شده است. این روش در سطح کلان شامل تعدیل تخمین های درآمد افراد (که در ایالات متحده توسط دفتر محاسبات اقتصادی انجام می شود) جهت مقایسه و برابری با درآمد ناخالص (که توسط سازمان مسئول مالیاتها محاسبه می شود) می باشد. فرض براین است که تفاوت این دو مقدار بخشی از اقتصاد پنهان است زیرا این مقدار درآمد، نشان دهنده درآمد شخصی گزارش نشده به مقامات مالیاتی است. ولی کارسون در سال ۱۹۸۴ اشاره براین داشت که این تفاوت را نه می توان فقط

محدود به درآمد پنهان نمود و نه شامل تمام درآمدهای پنهان دانست زیرا بطور مثال، شامل درآمد اکتسابی از طرق قانونی که مشمول بخشودگی مالیاتی شده است می باشد و نیو، درآمد حاصل از منابع غیرقانونی در این تفاضل احتساب نمی شود.

در ایالات متحده از روش درآمد - هزینه در سطح خرد، استفاده نشده است زیرا احتمال دارد مازاد هزینه های خانوار بر درآمدهایش از محل برداشت از پس اندازهای قبلی، وام و یا سایر درآمدهای انتقالی آشکار، تامین شده باشد. بعلاوه، قدرت بخاطر آوردن پاسخگویان نیز مساله ساز است. نوع دیگری از این روش توسط اسمیت وادمز (۱۸) بکار گرفته شده است. برای این کار یک نمونه تصادفی از خانوارها برای بررسی اقتصاد غیررسمی در سطح کشور انتخاب شد که بعداً در مورد آن صحبت خواهیم کرد.

روش دوم به روش حسابرسی مالیاتی (۱۹) موسوم است. این روش فقط توسط سازمان مسئول مالیاتها جهت بررسیهای مالیاتی بکاررفته است. در این روش، با انتخاب نمونه های تصادفی طبقه بندی شده فرمهای مالیاتی حسابرسی شده و مقایسه جفت به جفت آن با اقلام بررسی اولیه اعمال می شود. دفتر محاسبات اقتصادی، با استفاده از این بررسی، حسابهای ملی را در مورد افراد و موسساتی که کم گونی داشته اند، تعدیل می کند.

با مقایسه میزان اشتغال (سهم مشارکت کار) و سایر شاخصهای مربوط به بازار کار نیز می توان به وجود فعالیتهای اقتصاد پنهان پی برد. بطور کلی روش بازار کار شامل مقایسه نرخ رسمی اشتغال و نرخ واقعی (آنچه که بنظر می رسد متداول باشد) است. البته در اینجا هم اطلاعات از بررسی آماری بدست می آید و میزان صحت آن به میزان راستگویی پاسخگویان بستگی دارد.

روش دیگر روشی است که با استفاده از آمار پولی انجام می شود. از این روش در اوایل که انجام اینگونه تحقیقات آغاز گردیده بود زیاد استفاده می شد و اصولاً آن را می توان به سه نوع تقسیم نمود. ساده ترین آن عبارت است از اندازه گیری رابطه میان میعان (ارزش اسمی) و کل پول در جریان. روش دوم عبارت است از استفاده از نسبت پول در جریان به سپرده های دیداری. هردو روش بر این فرض استوار است که شرکت کنندگان در اقتصاد پنهان جهت فرار از شناخته شدن، در داد و ستد خود از پول نقد استفاده می کنند. روش سوم، که فیگ در سال ۱۹۷۹ از آن استفاده نمود عبارت است از روش مبادلات که شامل تخمین سرعت گردش پول، سطح قیمتها و حجم داد و ستد پولی است. این روش بر این فرض استوار است که رابطه میان عرضه پول و کل فعالیتهای اقتصادی درآمد زا (۲۰)، ثابت است. این روش در مورد فروض مربوط به روابط پولی، مورد انتقاد قرار گرفته است.

روشهای موجود دیگر، در طبقه بندی ما جای نمی گیرد. یکی از این روشها به روش اجزاء (۲۱)، موسوم است زیرا اجزاء اقتصاد پنهان را در زمینه های تولید خدمات و کالاها، مورد مطالعه قرار می دهد. شاید مهمترین مثال در مورد این روش کاری است که توسط سایمون و ویت (۲۲) در سال ۱۹۸۲ صورت گرفته است. آنها بطور سیستماتیک میزان فرار از مالیات، دزدی، جعل، درآمد مواد مخدر، درآمد فیلم های قبیحه، قمار، ربا، فحشاء و دیگر فعالیتها را محاسبه نمودند. کاربرد دیگر این روش از طریق استفاده از اطلاعات صنایع مختلف و ارزیابی اثر هریک بر افزایش احتمالی درآمد ملی است.

۳-۲- تخمین حجم اقتصاد پنهان: همانطور که از ابتدای بحث مشاهده می گردد،

در مورد حجم اقتصاد پنهان در ایالات متحده توافق چندانی وجود ندارد. در این بخش، برخی از

تخمین های موجود را بررسی می کنیم. مقاله کارل کارسون نقطه شروع خوبی برای این بررسی است زیرا وی تخمین های عمده موجود مربوط به اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ را خلاصه نموده است.

همانطور که در جدول یک دیده می شود، گاتمن حجم اقتصاد پنهان را از طریق روش پولی برای سال ۱۹۷۶ معادل ۱۷۶ میلیارد دلار یا تقریباً معادل ۱۰ درصد تولید ناخالص ملی برآورد نمود، وی چند سال بعد تخمین خود را تصحیح نمود و به ۱۳ تا ۱۴ درصد رساند. فیگ از طریق مبادلات پولی، حجم اقتصاد پنهان سال ۱۹۷۹ را برابر ۶۰۰ میلیارد دلار یا معادل ۲۷ درصد تولید ناخالص ملی تخمین زد. تخمین تانزی فقط مربوط به درآمدهای قانونی گزارش نشده به مقامات مالیاتی است. وی با استفاده از روش پولی، اقتصاد پنهان را برای سال ۱۹۷۹ برابر ۱۳۰ میلیارد دلار یا فقط معادل ۵ درصد تولید ناخالص ملی تخمین زد.

سازمان مسئول مالیاتها در سال ۱۹۸۳ از طریق حسابرسی مالیاتی و دیگر تخمین های مالیاتی، درآمد از محل منابع قانونی و غیرقانونی (شامل مواد مخدر، قمار و فحشاء) را معادل ۱۴۵ میلیارد دلار برآورد نمود. نیل در سال ۱۹۸۳ از طریق روش بازار کار، اقتصاد پنهان سال ۱۹۸۱ را معادل ۷/۵ درصد تولید ناخالص ملی تخمین زد. سایمون و ویت در سال ۱۹۸۲، از طریق روش اجزاء، مقدار اقتصاد پنهان سال ۱۹۷۴ را بین ۷ تا ۱۲ درصد تولید ناخالص ملی برآورد نمودند. آنها معتقد بودند که بیش از نیمی از اقتصاد پنهان آمریکا بواسطه فرار از مالیات شکل گرفته است. اسمیت در سال ۱۹۸۷ از طریق روش جدیدی از نوع درآمد و هزینه، درآمد پنهان فقط فروشندگان غیررسمی (فروشگاهها) را برای سال ۱۹۸۱ معادل ۴۲ میلیارد دلار یا ۱/۴ درصد تولید ناخالص ملی برآورد نمود. بررسی منتشر نشده ای توسط اسمیت وادمز در سال

۱۹۸۷ نشان داد که حجم اقتصاد پنهان سال ۱۹۸۵ کمی بیش از سال ۱۹۸۱ بوده است (به قیمت‌های ثابت) ولی درصد آن نسبت به تولید ناخالص ملی ثابت بوده است .

جدول شماره ۱

تخمین حجم اقتصاد پنهان ایالات متحده آمریکا

محقق یا موسسه محاسبه کننده	سال	روش بررسی	مقدار تخمین (میلیارد دلار)	درصد نسبت به تولید ناخالص ملی
گاتمن	۱۹۷۶	پولی	۱۷۶	۱۰
فیگ	۱۹۷۹	پولی	۶۰۰	۲۷
تانزی	۱۹۷۹	پولی	۱۳۰	۵
IRS	۱۹۷۶	تفاوت مالیاتی	۱۴۵	۸
نیل	۱۹۸۱	بازار کار	-	۷/۵
سایمون - ویت	۱۹۷۴	اجزاء	۱۰۰ - ۱۷۷	۷ - ۱۲
اسمیت		هزینه	۴۲	۱/۴

دفتر محاسبات اقتصادی معتقد است که با توجه به مفاهیم مورد استفاده در حسابهای تولید و درآمد ملی ، دلیل روشنی وجود ندارد که ارقام تولید ناخالص ملی به مقدار قابل توجهی کمتر از واقعیت تخمین زده شده باشد زیرا : همانطور که قبلا هم اشاره شد ، درآمدهای حاصل از منابع غیر قانونی در تخمین های درآمدی دفتر مذکور بکار نمی رود . دوم آنکه دفتر محاسبات اقتصادی در مورد درآمدهای گزارش نشده اصلاحاتی انجام می دهد ولی باید گفت که این اصلاحات متکی بر اطلاعاتی است که کامل نبوده و در مواردی سوال برانگیز است .

در مورد روند رشد فعالیت‌های پنهان اقتصادی ، اطلاعات منسجمی در دسترس نیست .

کارسون می نویسد که تخمین های گاتمن ، فیگ ، تانزی و سازمان مسئول مالیاتها در اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ دارای رشدی بیشتر از تولید ناخالص ملی بوده ، ولی تخمین های سایمون و ویت تقریباً رشدی مشابه رشد تولید ناخالص ملی داشته است .

۳ - آنچه که نمی دانیم :

هر چند که در مورد مفاهیم ، روش بررسی و نتایج عملی در مورد اقتصاد پنهان توافقی وجود ندارد ، ولی در مورد وجود اقتصاد پنهان در ایالات متحده ، خیلی چیزها می دانیم . ولی مسلماً آنچه را که می دانیم بیشتر در ابعاد کلان مساله است تا خرد آن . در این بخش کمبودهای موجود هم در سطح کلان و هم در سطح خرد ، مورد بحث قرار می گیرد .

۱ - ۳ - کمبودها در سطح کلان : نخستین نیاز اطلاعاتی ما شاید یک بررسی

جاری حجم اقتصاد پنهان باشد . همانطور که در جدول یک ملاحظه می شود ، اکثر بررسیهای انجام شده در دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ بوده است و پس از آن انجام کارهای تحقیقاتی کاهش یافته است .

یکی از منابع آماری جاری که بخشی از اقتصاد پنهان ، یعنی آنچه به مقامات مالیاتی گزارش نشده است ، را مشخص می کند ، عبارت است از بررسیهایی که توسط سازمان مسئول مالیاتها انجام شده است . این تخمین ها در واقع محصول فرعی کوششهای این موسسه جهت ارزیابی فرار از مالیات است . سازمان مسئول مالیاتها همیشه تاکید می کند که درآمد گزارش نشده به مقامات مالیاتی را نباید معادل تمام درآمدهای حاصل از اقتصاد پنهان دانست . تخمین های سازمان مذکور شامل درآمدهای حاصل از داد و ستدهای غیرقانونی (هرچند که مشمول مالیات هستند) ، نمی باشد ولی شامل کم گوئی درآمد از محل های قانونی است .

طبق تخمین های این سازمان برای سال ۱۹۸۷، مقدار درآمد گزارش نشده به مقامات مالیاتی معادل ۲۸۴/۳ میلیارد دلار بود که معادل ۶/۳ درصد تولید ناخالص ملی همان سال است. در سال ۱۹۸۰ مبلغ درآمد گزارش نشده معادل ۱۵۲/۴ میلیارد دلار یا ۸ درصد تولید ناخالص ملی بود. این تخمین ها شامل درآمدهای گزارش نشده کسانی که اصولاً پرونده مالیاتی نداشته اند و بدهیهای معوقه مالیاتی که مقدار آن برای سالهای ۱۹۸۷ و ۱۹۸۰ بترتیب معادل ۱۵۸/۷ و ۶۶/۱ میلیارد دلار بود، نمی باشد. بنظر سازمان مسئول مالیاتها، تخمین های اخیر گمراه کننده است زیرا مالیات این درآمدها از طریق سیستم مالیات نگهداری شده (۲۳) پرداخت شده است. بعلاوه، روش تخمین درآمد آنها که پرونده مالیاتی ندارند، ضعیف تر از روش بررسی آنهاست که دارای پرونده مالیاتی هستند. چنانچه آمار دیگری وجود نداشته باشد، آمار سازمان مذکور تخمین خوبی از بخشی از اقتصاد پنهان به ما می دهد.

اطلاعات کلان دیگری که وجود داشته و نیاز به بهنگام نمودن دارد عبارت است از درآمد حاصل از تولید و توزیع کالاها و خدمات غیرقانونی. تصور می شود حجم قاچاق مواد مخدر طی سالهای اخیر روبه افزایش باشد. باتوجه به گزارش سایمون و ویت ممکن است این برداشت را داشت که درآمد اقتصاد پنهان از فرار از مالیات به سوی مواد مخدر منحرف شده است.

بنظر می رسد از پیشرفت روشهای بررسی خارج از موسسات دولتی کاسته شده است. روش پولی، تنها روش بررسی است که هنوز مورد توجه و تحریک و تهییج محققان است. فیگ و تانزی و سایرین، با وجود سوالات بسیاری که در مورد فروض این روش وجود دارد، در مورد آن بحث های زیادی نموده اند. آخرین تحقیق در زمینه مفاهیم بررسی در سالهای اخیر صورت گرفته و این جدا از بررسی انجام شده توسط فیگ در سال ۱۹۸۹ و کارهای موسسات

آماري دولتي است.

۲-۳- کمبودهای موجود در سطح خرد: شناخت ما از اقتصاد پنهان در سطح

خرد، محدودتر و ضعیف تر از شناختمان در سطح کلان است. در سطح خرد، اطلاعات مورد اطمینان موجود در زمینه اقتصاد پنهان بسیار کم است.

در سال ۱۹۸۸، سازمان مسئول مالیاتها تخمین هایی به تفکیک نوع درآمدهای پنهان کسانی که پرونده مالیاتی داشتند، انجام داد که حجم آن برای سال ۱۹۸۷ معادل ۲۸۴/۳ میلیارد دلار بود

مهمترین اجزاء تشکیل دهنده این درآمدها عبارت بود از درآمد عرضه کنندگان (فروشنندگان) غیررسمی (معادل ۵۱/۴ میلیارد دلار) و درآمد مالکانه (غیر از املاک مزروعی) که معادل ۸۶ میلیارد دلار بود. فرانک دولیو (۲۴) در سالهای ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶ جهت ارزیابی اثر احتمالی اقتصاد پنهان بر افزایش درآمد ملی از روش بررسی صنعت به صنعت (یا حرفه به حرفه) استفاده نمود. او دریافت که مجموعه ای از حرف موجود در بخش های کشاورزی، خرده فروشی و خدمات دارای بیشترین کم گویی در زمینه رشد درآمدها هستند. پس از تجدید نظر جامع حسابهای ملی، اثر این کم گویی ها کاهش یافت.

کار تحقیقی اسمیت و ادمز، اقتصاد پنهان را برای طالبین آمارهای آن و همچنین شرکت کنندگان در آن، تا حدودی روشن نمود. طبق بررسی سال ۱۹۸۱، از هر پنج خانوار، چهار خانوار با عرضه کنندگان غیررسمی مواد خوراکی و خدمات، در تماس بوده اند. همچنین بیش از یک نفر از هر ۵ نفر که اینگونه خریدها را نموده بودند، خود از محل فروش کالا بصورت غیررسمی و انجام تعمیرات خانگی دارای درآمد پنهان بودند. یافته دیگر که از این بررسی بدست

آمد این بود که مشخص نمود تغییر شغل اینگونه فروشندگان و صاحبان حرف از مزد و حقوق بگیری به شغل فردی و برعکس، بسادگی صورت می‌گیرد.

ویت و سایمون در مورد اثر اقتصاد پنهان بر نحوه توزیع درآمد مطالعه نموده‌اند. بنظر ایشان فرار از مالیات، مهمترین علت وجودی فعالیتهای پنهان اقتصادی است. تنوع درآمدها در طبقات پایین و بالا، امکان فرار از مالیات را بیشتر می‌نماید. به این ترتیب آنها نتیجه می‌گیرند که فرار از مالیات باعث انتقال درآمد طبقات متوسط به طبقات بالا و کمی هم به طبقات پایین اجتماع است. ولی آنها معتقدند که جهت توزیع درآمدهای حاصله از منابع غیرقانونی و درآمدهایی که با زیر پا گذاشتن مقررات حاصل شده است مشخص نیست.

در جریان بررسی کلان اقتصاد پنهان نکاتی هم در مورد اقتصاد خرد آن آموخته ایم. ولی هنوز نکات بسیاری مانده که باید آموخت. بطور مثال:

- چه کسانی از طبقه پایین، متوسط و بالای درآمدی در فعالیتهای اقتصاد پنهان مشارکت دارند؟

- سهم هریک از آنها از درآمد پنهان چقدر است؟

- آنها در چه فعالیتهایی مشارکت دارند؟

- آیا فعالیت آنها تمام وقت، یا نیمه وقت است؟

- آیا آنها در اقتصاد آشکار نیز فعالیتی دارند؟

- ویژگی های جمعیتی آنها (مانند سن، جنس، نژاد و میزان درآمد، مقیم شهر بزرگ یا

کوچک بودن) کدام است؟

یافتن اطلاعاتی در این زمینه ها اگر غیرممکن نباشد، بسیار سخت است. ولی

بهر صورت اینگونه اطلاعات برای شناخت اثر اقتصاد پنهان بر نحوه توزیع درآمد، ضروری است.

۴- برای یافتن پاسخ سوالات خرد، چه می کنیم؟

یکی از راههای مقابله با کمبود اطلاعات در سطح خرد عبارت است از ارزیابی اثر احتمالی توزیع مجدد درآمد اقتصاد پنهان بر اساس فروزی در مورد حجم کل درآمدهای مذکور. پس از تعیین ابعاد کلی این آثار، باید فروزی در مورد ویژگیهای دریافت کنندگان این درآمدها نمود. در این بخش یک تحلیل خرد را که توسط دفتر آمار ایالات متحده صورت گرفته و دامنه و آثار توزیع مجدد درآمد اقتصاد پنهان را نشان می دهد، مورد بحث قرار می دهیم.

۱- ۴- تمرینی از تحلیل خرد (۲۵): بررسی جاری جمعیت که توسط دفتر آمار

ایالات متحده انجام می شود و حدودا شامل ۶۰ هزار خانوار است، مهمترین آمار درآمدی را به ما می دهد. در ماه مارس هر سال، آمارگیران دفتر آمار سولاتی در مورد درآمد اعضاء خانوار طی سال تقویمی قبل مطرح می کنند. تخمین درآمد بدست آمده از این بررسی وسیله مناسبی برای اندازه گیری سطح زندگی کسانی است که طبق استاندارد های دولت آمریکا در زیر خط فقر قرار دارند.

در سالهای اخیر، دفتر آمار در بررسی درآمدی خود تحقیقاتی را در زمینه ارزیابی درآمد و عواید غیر پولی خانوارهای آمریکایی که در آمارهای رسمی درآمدی وجود ندارد، شروع نموده است. بررسی دفتر آمار در سال ۱۹۸۸، آثار درآمدهای غیرنقدی (مانند ژتون غذا، درمان و بهداشت رایگان، امکانات بهداشتی ارائه شده توسط صاحب کار) بر توزیع درآمد و همچنین اثر مالیاتها را مورد مطالعه قرار داد. هرچند که این مطالعه کاری تجربی به حساب می آمد ولی هدف نهایی آن تهیه آماری معتبرتر و دقیق تر در مورد نحوه توزیع درآمدها بود و به این ترتیب بود که

تحلیل خرد در زمینه بررسی آثار اقتصاد پنهان بر توزیع درآمدها آغاز گردید .

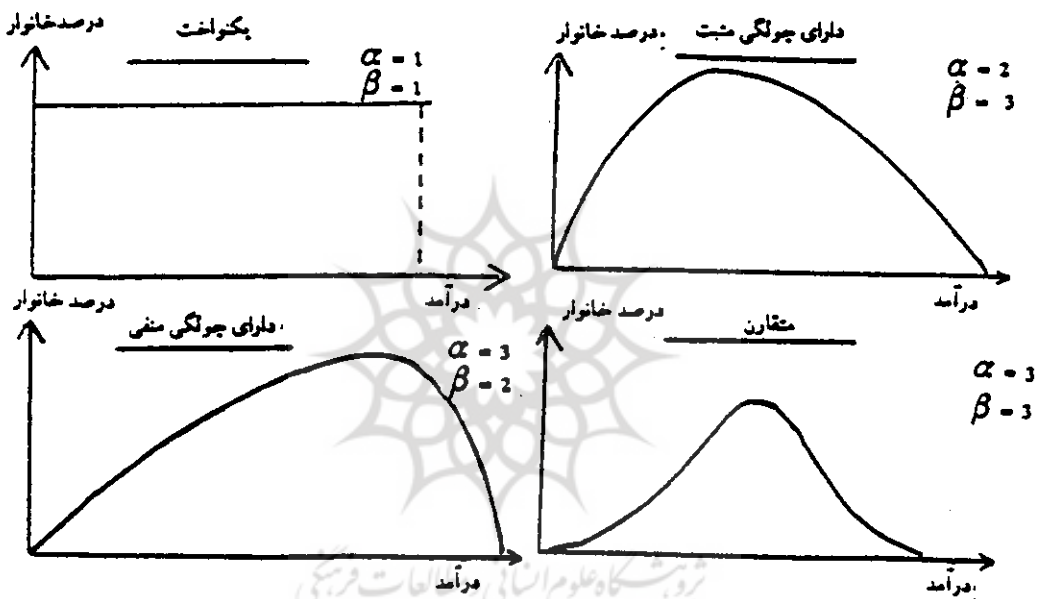
تحلیل خردی که در اینجا ارائه می شود ، مصور و طبیعتاً ساده است . این تحلیل ، درآمد پنهان سال ۱۹۸۶ را با فروض حجمی معادل ۵ ، ۱۰ ، ۱۵ و ۲۰ درصد تولید ناخالص ملی (معادل ۲۱۲ ، ۴۲۴ ، ۶۳۶ و ۸۴۸ میلیارد دلار) و دارای توزیعی متحد الشکل (۲۶) یا یکنواخت ، متقارن، دارای چولگی مثبت و دارای چولگی منفی مورد بررسی قرار می دهد .

تحلیل مذکور بصورت ذیل انجام شده است :

- ۱ - چهار تابع چگالی جهت نمایش تقریبی چهار نوع توزیع درآمدهای پنهان انتخاب گردید (شکل صفحه بعد) .
 - ۲ - محور افقی بطور یکسان معادل توزیع درآمد حاصل از بررسی درآمد خانوارها گرفته شد .
 - ۳ - سطح زیر منحنی برای هر طبقه درآمد ، نشان دهنده درآمد پنهان می باشد که بطور یکنواخت به خانوار هر طبقه اختصاص می یابد .
 - ۴ - این مراحل برای هر طبقه درآمدی تکرار شد که نتیجه خالص آن عبارت بود از یک توزیع فرضی درآمد براساس درآمد حاصل از بررسی خانوار و درآمد پنهان .
 - ۵ - این مراحل برای هر یک از توزیع ها و با چهار رده فرضی درآمد پنهان انجام شد .
- این یکی از روشهای ممکن برای انجام تحلیل بود . بطور مثال ، در روشی دقیق تر می توان درآمد پنهان را فقط به بخشی از خانوارها اختصاص داد (براساس محور عمودی تابع چگالی بتا) که این کار با توجه به طبقات درآمدی بررسی درآمد و با استفاده از تکنیک مونت کارلو (۲۷) انجام می شود .

شکل یک

توزیعهای فرضی درآمد پنهان



۲-۴- نتایج: جدول ۲ شامل توزیع رسمی درآمدهای خانوارهای آمریکا در سال

۱۹۸۶ و چهار توزیع اصلاح شده درآمدها (با فرض وجود ۱۰ درصد یا ۴۲۴ میلیارد دلار درآمد پنهان) می باشد. چهار توزیع اصلاح شده برحسب فروض توزیع یکنواخت، دارای چولگی مثبت، دارای چولگی منفی و متمارن می باشد. ۱۰ درصد درآمد پنهان از اینرو انتخاب گردید که در متون مختلف اقتصادی فرض این نسبت متداول شده است.

با افزودن درآمدهای پنهان با هریک از فروض در مورد توزیع، یک جابجایی کلی به سمت بالا صورت می‌گیرد. بطور مثال، نسبت خانوارهای با درآمد کمتر از ۲۵۰۰ دلار، کاهش یافته و نسبت خانوارهای با درآمد بیش از ۱۰۰۰۰۰ دلار، در هریک از توزیع‌ها، افزایش پیدا می‌کند. ولی در این تحلیل، درجه جابجایی هریک از طبقات درآمد، مورد توجه است.

جهت یافتن معیار جابجایی در هر توزیع می‌توان از نسبت میانگین به میانه استفاده نمود. در مورد توزیع درآمد رسمی، میانگین (۳۰۷۵۹ دلار)، تقریباً $\frac{۲۳}{۵}$ درصد بیشتر از میانه بود. با افزودن درآمد پنهان (حدود ۴۲۴ میلیارد دلار)، تمام میانگین‌ها بطور مساوی افزایش یافتند (میانگین تعدیل شده برای همه تقریباً معادل ۳۵۵۰۲ دلار بود). ولی همانطور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، میانه توزیع‌ها به میزان متفاوتی تغییر نموده و علت آن، فروض مختلف در مورد شکل توزیع درآمد پنهان می‌باشد. نسبت میانگین به میانه درآمد در توزیع با چولگی منفی بیش از همه ($\frac{۱}{۴۰۱}$) و نشان دهنده حداکثر جابجایی، و نسبت میانگین به میانه درآمد در توزیع با چولگی مثبت کمتر از همه ($\frac{۱}{۲۹۲}$) و نشان دهنده حداقل جابجایی بود. نسبت‌های مشابه دو توزیع یکنواخت و متقارن در میان این دو نسبت قرار گرفته بودند.

نسبت میانگین به میانه درآمدهای خانوار	
$\frac{۱}{۲۳۵}$	رسمی
$\frac{۱}{۳۳۶}$	یکنواخت
$\frac{۱}{۲۹۲}$	چولگی مثبت
$\frac{۱}{۴۰۱}$	چولگی منفی
$\frac{۱}{۳۶۸}$	متقارن

جدول شماره ۲

توزیع درآمد خانوارهای آمریکا با فرض درآمد پنهانی معادل ۱۰ درصد
تولید ناخالص ملی سال ۱۹۸۶ با توجه به چهار نوع توزیع ممکن

اصلاح شده				رسمی	درآمد
مقارن	با چولگی منفی	با چولگی مثبت	یکنواخت		
۸۹۴۷۹	۸۹۴۷۹	۸۹۴۷۹	۸۹۴۷۹	۸۹۴۷۹	خانوارها (هزار)
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	درصد
۱۸/۹	۱۹/۱	۱۷/۰	۱۵/۹	۱۹/۲	تا ۹۹۹۹۹ دلار
۲۰/۶	۲۱/۲	۱۹/۶	۲۱/۷	۲۱/۴	" ۱۰۰۰۰ - ۱۹۹۹۹ دلار
۱۶/۹	۱۷/۶	۱۸/۲	۱۷/۹	۱۸/۲	" ۲۰۰۰۰ - ۲۹۹۹۹
۱۴/۰	۱۳/۷	۱۳/۹	۱۵/۰	۱۴/۷	" ۳۰۰۰۰ - ۳۹۹۹۹
۸/۶	۸/۹	۱۰/۰	۹/۶	۹/۷	" ۴۰۰۰۰ - ۴۹۹۹۹
۵/۵	۶/۲	۵/۵	۶/۹	۶/۵	" ۵۰۰۰۰ - ۵۹۹۹۹
۵/۱	۳/۳	۵/۴	۴/۷	۴/۸	" ۶۰۰۰۰ - ۷۴۹۹۹
۴/۸	۴/۶	۴/۸	۲/۹	۳/۳	" ۷۵۰۰۰ - ۹۹۹۹۹
۵/۵	۵/۵	۵/۵	۵/۵	۲/۲	۱۰۰۰۰۰ به بالا
۲۵۹۵۸	۲۵۳۴۲	۲۷۴۷۵	۲۶۵۸۲	۲۴۸۹۷	میان (دلار)
۰/۴۵۳	۰/۴۶۲	۰/۴۲۷	۰/۴۲۸	۰/۴۲۰	ضریب جینی

معیار مناسبتر دیگری که برای بررسی اثر انتقالی درآمدهای پنهان بر نحوه توزیع درآمد وجود دارد عبارت است از شاخص جینی (۲۸) یا شاخص تمرکز درآمد (۲۹). این شاخص به ما نشان می‌دهد که توزیع درآمد خانوارها چقدر نابرابر است (اگر مقدار آن معادل یک باشد، نشان دهنده نابرابری مطلق توزیع و اگر صفر باشد، نشانگر برابری کامل است). همانطور که در جدول ۲ دیده می‌شود، با افزودن ۴۲۴ میلیارد دلار درآمد پنهان، هر توزیع را که در نظر آوریم، میزان نابرابری افزایش می‌یابد. شاخص جینی درآمدهای رسمی در سال ۱۹۸۶ معادل $0/420$ بود. با فرض توزیع دارای چولگی منفی، میزان نابرابری حداکثر ($0/462$) بوده و با فرض چولگی مثبت، میزان نابرابری حداقل ($0/427$) است. شاخص جینی در مورد توزیع یکنواخت نیز نزدیک به حداقل است.

می‌توان این تحلیل را با فرض مختلف در مورد حجم اقتصاد پنهان و محاسبه شاخصهای جینی مربوطه، دنبال نمود. همانطور که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود، ماتریس شاخصهای جینی برای چهار نوع توزیع و با چهار حجم مختلف از درآمدهای پنهان (۵، ۱۰، ۱۵ و ۲۰ درصد تولید ناخالص ملی سال ۱۹۸۶)، محاسبه شده است.

بدون در نظر گرفتن حجم اقتصاد پنهان (۵، ۱۰، ۱۵ یا ۲۰ درصد تولید ناخالص ملی)، چنانچه توزیع با چولگی منفی را در نظر آوریم، میزان نابرابری به حداکثر می‌رسد و با فرض چولگی مثبت، میزان افزایش نابرابری حداقل است. بعلاوه، با افزایش حجم درآمدهای پنهان، بر نابرابری توزیع درآمد افزوده می‌شود، بخصوص تحت فرض توزیع با چولگی منفی.

این نمایش عددی نشان می‌دهد که اثر اقتصاد پنهان بر نابرابری توزیع درآمدها، خیلی شدید نیست. حداکثر این تغییر در حالت فرض درآمد پنهان معادل ۲۰ درصد تولید ناخالص ملی

و توزیع با چولگی منفی است که مقدار شاخص جینی درآمد رسمی را که $0/420$ بود، به $0/496$ افزایش می دهد. کمترین اثر درآمد پنهان در حالتی است که حجم درآمد پنهان را معادل ۱۰ درصد تولید ناخالص ملی و شکل توزیع را با چولگی مثبت در نظر آوریم که شاخص جینی را از $0/420$ به $0/427$ افزایش می دهد.

جدول شماره ۳

شاخص جینی توزیع درآمد خانوارهای آمریکا با چهار فرض مختلف در مورد حجم و شکل توزیع درآمدها در سال ۱۹۸۶

توزیع های اصلاح شده				درآمد پنهان و درصد آن به تولید ناخالص ملی
مقارن	با چولگی منفی	با چولگی مثبت	یکنواخت	
$0/438$	$0/443$	$0/428$	$0/430$	۵ درصد (۲۱۲ میلیارد دلار)
$0/453$	$0/462$	$0/427$	$0/428$	۱۰ درصد (۴۲۴ میلیارد دلار)
$0/466$	$0/483$	$0/434$	$0/435$	۱۵ درصد (۶۳۶ میلیارد دلار)
$0/457$	$0/496$	$0/429$	$0/441$	۲۰ درصد (۸۴۸ میلیارد دلار)

۵ - نتیجه :

در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰، اقتصاد پنهان مورد توجه محققان و سازمانهای آماری دولتی قرار گرفت. تخمین های مختلفی زده شد و کاربرد آن در آمارهای اقتصادی مختلف و درآمدهای مالیاتی، مورد بررسی قرار گرفت. تحقیقات انجام شده بیشتر جنبه کلان داشت و کمتر می دانیم که چه کسانی در اقتصاد پنهان فعالیت داشته و در چه طبقه درآمدی قرار دارند.

بعلاوه ، حقیقتاً چیزی در مورد آثار توزیع مجدد درآمد پنهان نمی دانیم . اگر سیاست دولت بر محدود کردن و یا حذف جنبه های مختلف اقتصاد پنهان است ، برای شناخت نتایج سیاستهای کاربردی باید از ابعاد خرد اقتصاد پنهان نیز آگاهی داشته باشیم .

بی نویسی :

- | | | |
|---|---|-------------------------|
| 1 - Raul Ryscavage | 2 - Peter Gutman | 3- Subterranean economy |
| 4 - Irregular | 5 - Nonmarket | 6 - Invisible |
| 7 - Unrecorded | 8 - Illegal | 9 - Black |
| 10 - Carol Carson | 11 - Kenadjian | 12 - Slater |
| 13 - Fige | 14 - Aboveground | 15 - Underground |
| 16 - Tanzi | 17 - Frey and Pommerehne | |
| 18 - Smith and Adams | 19 - Tax Auditing and Compliance Method | |
| 20 - Income- Creating Activity of the Economy | 21 - Component | |
| 22 - Simon and Witte | 23 - Tax Withholding System | |
| 24 - Frank de Leeuw | 25 - A Microanalytic Exercise | |
| 26 - Uniform | 27 - Monte Carlo Technique | |
| 28 - Gini Index | 29 - Index of Income Concentration | |